

Legal and Jurisprudential Challenges of Anti-Terrorism Laws¹

Esmail Aghababaei Beni 

Associate Professor, Department of Jurisprudential and Legal Issues, Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Jurisprudence and Law, Qom, Iran.

Aghababaei@isca.ac.ir



Abstract

The expansion of terrorism through the actions of the Zionist regime has placed numerous innocent individuals under threat. The absence of a clear and universally accepted definition of terrorism, coupled with the political motivations of certain states that support specific forms of terrorism—and at times engage in acts of terror themselves under pretexts such as the “fight against terrorism”—has compounded the challenges of combating terrorism. Political approaches to terrorism have resulted in Iran’s accession to international conventions being subject to reservations, and at times encountering obstacles. Domestically, Iranian laws governing the fight against terrorism are often unable to address current needs due to evolving manifestations of terrorism, and there is a growing necessity to expand the territorial jurisdiction of national courts to address certain forms of terror. Moreover, efforts to equate emerging manifestations of terrorism with certain criminal categories in Islamic jurisprudence—such as moharebeh (armed hostility against society), efsad fi al-ard (spreading corruption on earth), fatk (premeditated treachery), baghi (armed rebellion), and ightiyal (assassination)—without adequate consideration

۳۸
فقه و
سیاست
سال ۵، شماره ۲، ۱۴۰۲

1. Aghababaei Bani, E. (2024). Legal and jurisprudential challenges of anti-terrorism laws. *Jurisprudence and Politics*, 5(2), pp. 38-62. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.73005.1095>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/09/26 • **Revised:** 2025/10/22 • **Accepted:** 2025/11/12 • **Published online:** 2025/12/03

for international interpretations, have sometimes failed to resolve issues effectively. Therefore, revising existing laws, expanding territorial jurisdiction, and recognizing novel forms of terrorism are imperative for an effective counter-terrorism framework within Iranian law.

Keywords

Terrorism, Targeted Killing, Moharebeh, Efsad fi al-Ard, Right to Life.

المشكلات القانونية والفقهية في القوانين المتعلقة بمكافحة الإرهاب^١

إسماعيل آقابابائي بني  id

أستاذ مشارك، مجموعة المسائل الفقهية والقانونية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، معهد الفقه والقانون، قم، إيران
Aghababaei@isca.ac.ir



الملخص

أدت توسع الأعمال الإرهابية على يد الكيان الصهيوني إلى تعريض عدد كبير من الأبرياء للخطر. إن غياب تعريف واضح للإرهاب، ودعم بعض الدول، بطبيعة الحال لأهداف سياسية، لبعض أشكال الإرهاب وأحياناً أعمال الإرهاب تحت غطاء مكافحة الإرهاب، من شأنه أن يزيد من صعوبة التعامل مع الإرهاب. إن التعاملات السياسية مع ظاهرة الإرهاب أدت إلى أن يواجه انضمام إيران إلى الاتفاقيات الدولية إما القبول مع التحفظ أو التعرض للعوائق. كما أن القوانين الداخلية المتعلقة بمكافحة الإرهاب في النظام القانوني الإيراني لم تعد تلبي الاحتياجات الراهنة بسبب تطور مصاديق الإرهاب. ويلبس كذلك الاحتياج إلى توسيع الصلاحية الإقليمية للمحاكم في البلاد من أجل التصدي لبعض أشكال الأعمال الإرهابية. إضافة إلى ذلك، فإن محاولة مطابقة المصاديق المستجدة للإرهاب مع بعض العناوين الإجرامية في الفقه، مثل المحاربة، والإفساد في الأرض، والفتنك، والبغي، والاغتيال، قد لا تكون قادرة على تلبية الاحتياجات الراهنة، لأن هذه المحاولات لا تأخذ في الحسبان المفاهيم والمعايير الدولية. ولذلك، فإن مراجعة القوانين، وتوسيع الصلاحية الإقليمية، والاهتمام بالمصاديق الجديدة للإرهاب تعد أموراً ضرورية في إطار مكافحة الإرهاب في القانون الإيراني.

الكلمات المفتاحية

الإرهاب، القتل المستهدف، المحاربة، الإفساد في الأرض، حق الحياة.

١. الاستشهاد بهذا المقال: آقابابائي بني، إسماعيل. (١٤٠٣). المشكلات القانونية والفقهية في القوانين المتعلقة بمكافحة الإرهاب. الفقه و السياسة، ٥(١٠)، صص ٣٨-٦٢.
<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.73005.1095>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٩/٢٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٠/٢٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٠٣

مشکلات حقوقی و فقهی قوانین ناظر به مبارزه با تروریسم^۱

اسماعیل آقابابائی بنی

دانشیار، گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، قم، ایران.

Aghababaei@isca.ac.ir



چکیده

توسعه تروریسم با اقدامات رژیم صهیونی، افراد بی‌گناه بسیاری را در معرض تهدید قرار داده است. نبود تعریف مشخص از تروریسم و حمایت برخی کشورها با اهداف سیاسی از برخی اشکال ترور و گاه اقدام به ترور در قالب توجیهاتی چون مبارزه با تروریسم، بر مشکلات برخورد با تروریسم افزوده است. برخوردهای سیاسی با تروریسم موجب شده است الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی با حق شرط و گاه مانع مواجه شود و در قوانین داخلی در حقوق ایران، قوانین ناظر به مبارزه با تروریسم، به دلیل تحول در مصادیق، پاسخ‌گوی نیازهای فعلی نیست و برای رسیدگی به برخی اشکال ترور نیاز به توسعه در صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های کشور احساس می‌شود. افزون بر این، تلاش در تطبیق مصادیق نوپیدای تروریسم با برخی مصادیق مجرمانه در فقه مثل محاربه، افساد فی الارض، فتک، بغی و اغتيال، گاه بجای حل مشکل، به دلیل توجه نداشتن به برداشتهای بین‌المللی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازها باشد. از این‌رو بازنگری در قوانین، توسعه صلاحیت سرزمینی و توجه به مصادیق نوپیدای ترور در مبارزه با تروریسم در حقوق ایران ضروری است.

کلیدواژه‌ها

ترور، قتل هدفمند، محاربه، افساد فی الارض، حق حیات.

۱. **استناد به این مقاله:** آقابابائی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۳). مشکلات حقوقی و فقهی قوانین ناظر به مبارزه با تروریسم. فقه

و سیاست، ۵(۱۰)، صص ۳۸-۶۲.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.73005.1095>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

مقدمه

ترور، جنگ و کشته شدن انسان‌ها رنجی است که به خاطر زیاده‌خواهی یا عقاید خاص گروه یا فردی، ملت‌های بسیاری را در معرض نابودی قرار داده و خسارات جبران ناپذیری بر برخی ملت‌ها وارد کرده است و امروزه در اشکال جدیدتر و وسیع‌تری ادامه دارد و انسان‌های بی‌گناه بسیاری را به ورطه نابودی می‌کشاند. در گذشته، حوادث تلخ جنگ جهانی اول و دوم به اضافه اقدامات برخی دولت‌ها در سرکوب انسان‌های بیگناه، بشریت را به سمت تشکیل نهادها و دادگاه‌های بین‌المللی و مجازات جنایتکاران و تلاش در پیشگیری از این دست جنایات سوق داد که مهمترین اقدام در این زمینه را می‌توان تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری (International Criminal Court) دانست. تدوین اساسنامه و تصریح بر صلاحیت‌های دیوان در خصوص جنایات علیه بشریت، جنایت نسل‌کشی، جنایات جنگی و جرم تجاوز و تعیین مصادیق مجرمانه برای هر یک از جرایم یادشده، قدم مهمی در مبارزه با این دست جرایم و مقابله با دولت‌های ناقض قوانین به شمار می‌رود.

با این حال، از آنجاکه صلاحیت دیوان منوط به الحاق کشورهاست و تعداد قابل توجهی از کشورها از جمله ایران به آن ملحق نشده‌اند، استمداد از دیوان در مبارزه با جرایم مهم با مشکل مواجه می‌شود؛ افزون بر اینکه کشورهایی که عضو دیوان نیستند نیز در برخورد با مجرمان همکاری لازم را ندارند؛ چنان‌که به رغم صدور حکم بازداشت رهبران اسرائیل توسط دادگاه کیفری بین‌المللی، همکاری نکردن کشورها حکم دیوان را بی‌نتیجه ساخته است.

از این رو، بهره‌گیری از صلاحیت‌های شورای امنیت سازمان ملل نقطه امید بیشتر کشورها در مبارزه با تهدیدهای بین‌المللی است که آن هم از چند جهت به نتیجه مطلوب نمی‌انجامد:

الف- این شورا تحت تسلط ایالت متحده آمریکا است و به همین علت آمریکا از مخالفان سرسخت توسعه صلاحیت رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی به تجاوز بوده است (شریعت باقری، ۱۳۷۷، ص ۸۶).

ب - نفوذ سیاسی پاره‌ای از اعضای شورا این ارگان را به وسیله‌ای برای حفظ صلح در معنا و زمانی که با منافع اعضای قدرتمند آن ارتباط دارد تبدیل کرده است (ر.ک: شریعت باقری، ۱۳۷۷، ص ۹۷)؛ به بیان دیگر، نگاه سیاسی به صلاحیت‌های دیوان و برخورداری اعضای دائم سازمان ملل از حق وتو، عملاً برخورد این شورا با جرایم مهم از جمله تروریسم را با مشکل مواجه کرده است، بویژه در مواردی که خود آمریکا پیشقدم در اقدامات تروریستی مثل ترور شهید سلیمانی می‌شود.

از این رو می‌توان گفت به رغم پیش‌بینی شورای امنیت در سازمان ملل، در عمل مبارزه جدی با جنایات از جمله تروریسم به حاشیه رفته است و قانون‌شکنی کشورهای زورمدار چه در قالب تفسیر غلط از قوانین و چه در نقض صریح قوانین، به دلیل سکوت و عدم همکاری کشورهای ضعیف‌تر، راه را برای ارتکاب جنایات بین‌المللی و ترور گشوده است و بجای مبارزه با فقر، تولید و فروش اسلحه و جنگ افروزی برای مصرف تسلیحات جنگی به خصوص سلاح‌هایی که قدرت تخریبی فروان دارند و انجام عملیات تروریستی در سطح وسیع مثل آنچه علیه حزب‌الله لبنان انجام گرفت، زندگی آرام انسان‌ها را دچار ترس و وحشت ساخته است.

در این میان، تروریسم اگر در گذشته بسیار محدود بود و حوادث تلخی را برای گروه خاص یا ملت‌های ناتوان رقم می‌زد، امروزه از چند جهت به تهدیدی علیه کل بشریت تبدیل شده است که از آن جمله است: «۱. تنوع مصادیق؛ ۲. پیوند تعریف با ارزش‌های سیاسی که هر جامعه‌ای مصداق خاصی را مطرود یا مقبول می‌داند؛ ۳. پیوند تروریسم با ارزش‌های اعتقادی و ایدئولوژیک هم با این مشکل مواجه است که جوامع شرط‌هایی را می‌گذارند تا موردی را استثنا یا مصداق بدانند؛ ۴. انقلاب، جنگ، کودتا مبارزه ضد استعماری و واژه‌هایی از این دست با مفهوم تروریسم مختلط می‌گردد معمولاً مؤسسات ملی به ترور نگاه متفاوتی دارند و تعاریف هم متعدد شده است» (آقابابائی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳).

تعدد تعاریف، تفسیرهای ناروا از قوانین بین‌المللی، عدم شمول صلاحیت‌های دیوان کیفری بر این دست جرایم، اقدام رسمی دولت‌ها به ترور بی‌آنکه پاسخ‌گوی جنایات

خود باشند، مشکل بودن مبارزه با ترور و تروریسم بدون همکاری کشورها در کنار به کارگیری هوش مصنوعی و سلاح‌های پیشرفته جنگی برای ترویج تروریسم و اعمال شیوه‌های پیچیده در ترور مثل انفجار پیجرها برای ترور افراد حزب الله در لبنان بر مشکلات مبارزه با این پدیده شوم افزوده است و این دست جنایت امروزه به سردمداری آمریکا و اسرائیل ملت‌های بسیاری را در معرض آسیب جدی قرار داده است.

از این رو، به رغم آنکه در ایران تلاش شده است مبارزه با بخشی از این جرایم در قالب قانون بیان شود و نوشته‌هایی در قالب کتاب و مقاله سعی کرده‌اند قانون‌گذار را در این راه حمایت کنند، توسعه جرم ترور و توجیه ترور با واژه‌هایی چون دفاع پیش‌دستانه و قتل هدفمند و گاه با اغراض سیاسی، همه این تلاش‌ها را نیازمند بازنگری جدی ساخته است که در این مقاله تلاش می‌شود گوشه‌ای از این مهم مطرح شود.

از جمله تلاش‌های علمی انجام گرفته در این زمینه می‌توان به کتاب «تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی» نوشته سیدحسین هاشمی (۱۳۹۵)، «درآمدی بر تروریسم پژوهی (رویکردها، تعاریف، موضوع‌شناسی فقهی)» نوشته عبدالمجید مبلغی (۱۳۸۹)، «تروریسم و نظام کنونی جهان با تأکید بر حقوق بین‌الملل» نوشته ابوالفضل گندمکار (۱۳۹۴) و برخی مقالات دیگر اشاره کرد که همگی بدون توجه به موضوعات جدید به نگارش درآمده و همسو با تلاش‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، عمدتاً تلاش‌های انجام گرفته در این زمینه را بازتاب داده و خود به کاستی‌های موجود و در موارد نادر همسو با بحث‌های انجام گرفته قبل از جنایات اخیر اسرائیل راهکارهایی را ارائه داده‌اند. از این رو، وجود این دست منابع نافی تلاش‌های جدیدتر نخواهد بود. افزون بر اینکه تمرکز بحث‌های بین‌المللی در موضوع تروریسم عمدتاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رقم خورده است که امروزه می‌توان آن را از مصادیق ترور سنتی به‌شمار آورد که گاه هیچ سختی با شیوه‌های جدید ترور ندارد.

از این رو تلاش می‌کنیم در این نوشته ضمن پرهیز از تکرار مطالب، مشکلات شناسایی ترور به‌عنوان یک جرم بین‌المللی، مقررات ایران، رویکردهای فقهی در نگرش به جرم ترور و راهکارهای مبارزه جدی‌تر با ترور و تروریسم را به اختصار بیان کنیم.

۱. مشکلات شناسایی ترور به عنوان یک جرم

در اینکه ترور چیست، تاکنون تعاریف متعددی از آن ارائه شده است که جمع‌بندی نهایی و ارائه تعریف مشخص و مورد اتفاق همه را تقریباً غیر ممکن کرده است (برای اطلاع از بخشی از این تعاریف رک: مبلغی، ۱۳۸۹) و علت عمده آن دخالت دادن اغراض سیاسی و گاه قبح‌زدایی از ترور با عناوینی چون انقلاب، شورش، کودتا، عملیات چریکی، دفاع پیش‌دستانه و مانند آن است. تا جایی که سازمان ملل هم تاکنون تعریف مشخصی از ترور ارائه نکرده است و فقط آنچه در قطع نامه شماره ۴۹/۶۰ در ۱۷ فوریه ۱۹۹۵ در مقام معرفی معیارهایی برای تروریسم بین‌المللی آمده، معیاری برای شناسایی ترور در دیگر اسناد قرار گرفته است. این معیار چنین است: «هر اقدام جنایتکارانه‌ای که با قصد ایجاد هراس در مردم، گروهی از مردم یا اعمال زور بر دولت یا سازمان بین‌المللی، انجام شود و به‌طور غیرقانونی باعث مرگ یا آسیب بدنی شدید، گروگان‌گیری، یا وارد آوردن خسارت جدی به اموال عمومی یا خصوصی یا زیرساخت‌ها گردد»^۱. به بیان دیگر بجای ارائه تعریف مشخص، تلاش شده است به ارائه معیارها اکتفا شود.

در این روند، برخی برای دستیابی به تعریف مشخص از ترور عناصر مشترک در تروریسم را خشونت بار بودن عمل، قربانی شدن شهروندان، قصد ایجاد رعب و وحشت و سازمان یافتگی دانسته‌اند (هاشمی، ۱۳۹۵، صص ۴۱-۴۳). با این حال به نظر می‌رسد در یک جمع‌بندی کلی از تعاریف تلاشی است که اشمید انجام داده و در تعریفی طولانی و با ترکیب ۱۰۹ تعریف، مشخصات زیر را برای تروریسم در نظر می‌گیرد:

۱. وجود خشونت که غالباً از آن به خشونت غیرمعمول یا غیرقانونی یاد می‌شود؛
۲. تکرار عمل که عمل یکبار رخ داده بدون قاعده را تروریسم نمی‌دانند؛
۳. اقدام سازمان یافته که سازمان اصل است و می‌تواند ترکیبی از سه نفر یا بیشتر باشد؛
۴. وجود تهدید به این معنا که بعد از تهدید رخ می‌دهد و ترور از ضمانت اجراهای تهدید است؛

۵. ترور قربانیان انسانی را هدف قرار می‌دهد گرچه برخی انسان و مال را در تعریف آورده‌اند؛
 ۶. هویت قربانیان برای تروریسم مهم نیست ولی در منازعات شخصی شناخت قربانی مهم است؛
 ۷. ترور همراه با محاسبه است و تأکید بر هدف سیاسی وجود دارد. تروریسم هم جرم سیاسی تلقی می‌شود؛
 ۸. تلاش برای عمومی کردن ترس و وحشت و خواص را الزاماً در نظر ندارد؛
 ۹. بهره‌گیری از موقعیت که شبیه دیگر جرایم است؛
 ۱۰. غلبه قربانیان غیر نظامی که تروریسم در وضعیت صلح مصداق پیدا می‌کند نه در حین جنگ (در زمان جنگ به آن ترور اطلاق نمی‌شود) (آقابائی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴).
- از آنجا که این تلاش علمی هم اکنون بیش از پانزده سال می‌گذرد، امروزه می‌توان از ترورهای یاد کرد که در صدد توجیه و قبح‌زدایی از ترورند که نمونه آن ترور شهید سلیمانی توسط آمریکا در کشور عراق است. اقدام به ترور علنی و پذیرش آن از سوی آمریکا مسئله ترور را وارد فاز جدیدی کرد که لزوم توجه به بازتعریف ترور و مبارزه جهانی با آن را می‌طلبد.
- پس از این ترور، داعش به‌رغم آنکه جنایات بی‌شماری را در مقابل چشم جهانیان رقم زد، بزرگترین منتفع از ترور شهید سلیمانی بود که در روزنامه رسمی و بین‌المللی خود «النبأ» به تقدیر از ترامپ پرداخت؛ در حالی که نقش ایران و سلیمانی در مبارزه با داعش در عراق و بویژه در جنگ تکریت، توسط ژنرال‌های آمریکایی گامی مثبت ارزیابی شده بود (ر.ک: هنیگسن، ۱۳۹۹، صص ۸۹-۹۰)، ابراهیم نصیر از کشیشان مسیحی معتقد بود: «تمام آنچه قاسم سلیمانی انجام داد، ایستادگی در برابر داعش و القاعده به نفع مسیحیان بود» (هنیگسن، ۱۳۹۹، ص ۹۲). به بیان دیگر، خدمتی بزرگ به بشریت در مبارزه با مظهر بارز تروریسم برای جهانیان یعنی داعش، به واسطه زورمداری آمریکا و برخلاف برداشت عمومی جهانیان، مصداق مبارزه با تروریسم قلمداد می‌شود و مبارزه واقعی با تروریسم را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد.

می‌توان گفت در ترور شهید سلیمانی، یک مقام عالی رتبه نظامی دولتی آن هم نه در میدان نبرد بلکه در سفری رسمی و نه برای مأموریت نظامی بلکه مأموریت سیاسی برای گفت و گو با مقامات رسمی کشور میزبان به منظور کاهش تنش‌های منطقه‌ای توسط آمریکا ترور و به صراحت و بدون واهمه به آن اعتراف می‌شود در حالی که حقوق‌دانان در مقابل توجیهات آمریکا عکس‌العمل نشان داده و از جهات مختلف این عمل را نقض تعهدات بین‌المللی به‌شمار آوردند که از آن جمله است: توسل به زور مغایر با منشور ملل متحد، نقض تعهدات دوجانبه آمریکا با عراق، تطابق عمل صورت گرفته با تعریف تجاوز در اعلامیه و اساسنامه رم (برای مطالعه تفصیلی ر.ک: فضائی، ۱۳۹۹؛ کوشا و دیگران، ۱۴۰۳). این در حالی است که مقامات آمریکایی تلاش کردند جنایت صورت گرفته را در قالب برخی مفاهیم حقوقی مانند دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیشگیرانه موجه جلوه دهند (فضائی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۶، ۱۶۵-۱۶۷، ۱۷۲ به بعد).

این رویه غلط آمریکا و نبود برخورد بازدارنده در سطح بین‌الملل، موجبات جنایات اسرائیل در ترور فرماندهان فلسطینی و دانشمندان هسته‌ای ایران را در ادامه رقم زد و در تجاوز دوازده روزه به ایران و به پشتیبانی آمریکا، مسئله ترور و مبارزه با تروریسم را با مشکلات جدی مواجه ساخت. ترورهای برنامه‌ریزی شده و استفاده از ابزارهای ارتباطی و هوش مصنوعی در کنار نقض آشکار مقررات بین‌المللی با توجیهات حقوقی و سکوت کشورهای دیگر در مقابل این همه جنایت، امروز فصل جدیدی از ترور و تروریسم را در جهان رقم زده است که همکاری همه دولت‌ها و مردم آزاد جهانیان را برای مبارزه با این جنایات می‌طلبد. اقدامات تروریستی پیجری اسرائیل در ضاحیه جنوبی لبنان، دست‌های ناقص و چشمان کم نور و وحشت برای زنان و کودکان به ارمغان آورد و شهادتی را بجای گذاشت که جهان فقط نظاره‌گر آن شد و در محکومیت این جنایات تلاش درخوری نکرد.

به بیان دیگر می‌توان گفت تلاش‌های انجام گرفته در مبارزه با تروریسم و قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت که پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفت و دیگر تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مبارزه با ترور (برای مطالعه ر.ک: کوشا

و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۳۲-۶۶)، با جنایات آمریکا و اسرائیل رنگ باخته است و نقض فاحش این مقررات از سوی دو کشور یادشده، جهان را به مبارزه جدی تر با تروریسم به یاری می طلبد و لازم است برای جلوگیری از حوادث ناگوار بیشتر، کشورهای مختلف نهایت تلاش خود را برای شناسایی ترور به عنوان یک جرم به کار گیرند و دستکم در جایی که حیات انسان های بیگناه با اغراض سیاسی در معرض خطر قرار می گیرد، جرم ارتكابی را از مصادیق بارز ترور در سطح جهان شناسایی کنند.

۲. جرم ترور در حقوق ایران

ایران که خود قربانی تروریسم است، در سطح بین الملل و حقوق داخلی برای شناسایی ترور به عنوان یک جرم بین المللی و مبارزه همه جانبه با آن از هیچ تلاشی کوتاهی نکرده است با این حال به دلایل پیش گفته و غلبه زورمداری بر حق داری به سردمداری آمریکا، این تلاش ها کمتر به نتیجه رسیده است.^۱

از جمله این تلاش ها می توان از تلاش برای «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» در سال ۱۳۷۸ نام برد که اختلاف در تعریف تروریسم و غلبه دادن جنبه های سیاسی بر منافع ملت در آن باعث می شود در بند ۲ این لایحه مقرر گردد: «جمهوری اسلامی ایران با نظر به اصول و هنجارهای حقوق بین الملل تا حین پذیرش کنوانسیون از جمله کنوانسیون ۱۹۹۹م سازمان کنفرانس اسلامی و قطعنامه های مرتبط ملل متحد از جمله قطعنامه ۲۶۲۵ و ۱۵۱۴، تعریف عمل

۱. یکی از مشکلات در شناسایی ترورهای غیر هدفمند به عنوان قتل، به کارگیری عبارت «قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از يك جمع» در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بود که شمول آن بر ترور با شبهاتی همراه بود. در اصلاح قانون در سال ۱۳۹۲ مجدداً عبارت: «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از يك جمع را داشته باشد» در ماده ۲۹۰ استفاده شد ولی برای رفع شبهه قبل بند دیگری برای عمد تلقی شدن قتل به این شرح اضافه شد: «هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند». این در حالی است که با برداشتن قید معین می توانست از این تکلف در قانون گذاری دوری گزینند (برای مطالعه ر.ک: مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۶ به بعد) و در تطبیق ترور بر قتل عمد ایجاد شبهه نکند.

تروریستی را مشتمل بر مبارزات مشروع مردمی از جمله سلطه استعماری و اشغال خارجی نمی‌داند و نسبت به اطراف متعه‌دی که قلمرو عمل تروریستی را مستند به زیر بند (ب) بند (۱) ماده (۲) کنوانسیون مشتمل بر این مبارزات می‌دانند، تنها در حدود پیش گفته، متعهد می‌داند و اعلام می‌دارد ماده (۶) کنوانسیون ارتباطی به این حق ندارد. این مبارزات فارغ از انگیزه آن مجاز و مشروع است و اعمال تروریستی به هر انگیزه‌ای ممنوع است». در نهایت در تبصره این لایحه که در هفت بند تنظیم شده بود، مقرر می‌شود: «دولت صرفاً پس از خارج شدن جمهوری اسلامی ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF می‌تواند سند الحاق را نزد امین اسناد تودیع نماید».

این لایحه در نهایت به تاریخ ۲۶ مهر ۱۴۰۴ با تغییراتی به قانون تبدیل شد و ایران با لحاظ شرایطی آن را پذیرفت و از آنجا تعیین مصادیق ترور همچنان مورد اختلاف است بر حق تعیین سرنوشت همه مردمان با توجه ویژه به وضعیت مردمان تحت سلطه استعماری و هر گونه سلطه بیگانه و یا اشغال خارجی براساس آنچه در مقدمه کنوانسیون آمده است تأکید کرد و تعیین مصادیق ترور اعم از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی را به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی واگذار کرد و تأکید کرد که اجرای این کنوانسیون در چهارچوب قانون اساسی و قوانین داخلی ایران خواهد بود. همچنین ارجاع به داوری را برای کشور لازم‌الرعا‌یه ندانست و تأکید کرد که الحاق ایران به این کنوانسیون، به معنای شناسایی و برقراری ارتباط با رژیم اشغالگر صهیونیستی نیست.

از قدم‌های دیگر در زمینه مبارزه با تروریسم می‌توان به «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی» به تاریخ ۷ دی ۱۳۸۷ اشاره کرد که مجمع تشخیص مصلحت آن را تصویب و با حق شرط مخالف نبودن با موازین شرع می‌پذیرد و در اعلامیه تفسیری خود بیان می‌دارد که: «با توجه به اینکه احکام مترقی اسلام کلیه اشکال تروریسم را محکوم کرده است و با عنایت به اهمیت ویژه مبارزه با تروریسم جهت ایجاد امنیت، ثبات و استقلال سیاسی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، جمهوری اسلامی ایران انعقاد

موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه مکمل کنوانسیون حاضر را که متضمن اعطای امتیازات و فراهم کردن امکانات بیشتری در جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی است و نیز تبیین مقررات مندرج را جهت تسهیل و تشویق اجراء کنوانسیون حاضر ضروری دانسته و آمادگی خود را برای انعقاد این گونه معاهدات اعلام می‌دارد. طبیعی است موضوعات زیر می‌تواند از جمله موضوعات موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه فوق‌الذکر قرار گیرد:

۱- تعریف واحد از «جرایم تروریستی» و «جرایم سیاسی»^۲ - هماهنگ شدن قوانین داخلی و ملی با مفاد کنوانسیون.

در این قانون با آنکه عنوان «سازمان کنفرانس اسلامی» را با خود دارد و قاعدتا مواد در نظر گرفته شده در آن مخالف با شرع و اسلام نیست، کشور ایران برای الحاق شرط عدم مخالفت با شرع را در نظر گرفته است که از دو جهت مشکل آفرین است: اولاً مخالف نبودن با شریعت به دلیل کلی بودن و قاعده‌مند نبودن احراز مخالفت یا عدم مخالفت با شریعت، عملاً التزام به مواد کنوانسیون را دچار مشکل می‌کند و ثانیاً، در نظر گرفتن این شرط برای قانون نوشته شده از سوی کنفرانس اسلامی که عمدتاً از اهل سنت‌اند، این شائبه را تقویت می‌کند که قرائت شیعی بر خلاف قرائت اهل سنت می‌تواند در مواردی مصادیق ترور را مشروع قلمداد کند. به همین دلیل، همکاری ایران با سازمان‌ها و نهادهای فراملی در مبارزه با تروریسم می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد. با این حال، برای جبران این کاستی تلاش شده است در حقوق داخلی مفاد این کنوانسیون به نوعی بومی سازی شود که دو شبهه یادشده تا حدودی مرتفع شود.

توضیح اینکه: در سال ۱۳۹۴، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم تصویب می‌شود و در اصلاح این قانون با عنوان «قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» (مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۹۷) بجای تعریف مشخص از تروریسم به مصادیق مجرمانه‌ای که می‌تواند ترور تلقی گردد اکتفا کرده و در بند الف از ماده یک انجام اعمال با مقاصد زیر را مصداق تروریسم تلقی می‌کند: «رتکاب یا تهدید به ارتکاب هر گونه اقدام خشونت‌آمیز همچون قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک‌سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص

و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی». سپس در ادامه بند ب را به شمارش مصادیق از اعمال مجرمانه که ممکن است با مقاصد یادشده ارتکاب یابد اختصاص می‌دهد که عبارت‌اند از:

- ۱ - خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی؛
- ۲ - ایراد خسارت شدید به محیط زیست همچون مسموم کردن آبها و آتش زدن جنگل‌ها؛
- ۳ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست شناسی (بیولوژیک)؛
- ۴ - تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات.

و در بند پ ارتکاب اعمال زیر صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله را از مصادیق تروریسم به‌شمار می‌آورد:

- ۱ - اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی؛
- ۲ - تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن؛
- ۳ - ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران و خدمه هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در هواپیمای در حال پرواز؛
- ۴ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی سازی و انفجار غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته‌ای به میزان غیر قابل توجه برای اهداف درمانی، علمی و صلح آمیز؛
- ۵ - تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست شناسی (بیولوژیک)؛

۶ - دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتیرانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن؛

۷ - تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت بار علیه افراد حاضر در آنها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق؛

۸ - بمب گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیر ساختی.

و در نهایت در بند ت ماده یادشده، جرایم تروستی شناسایی شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی را به شرط الحاق ایران به این کنوانسیون‌ها جزء جرایم تروستی بر می‌شمارد.

در این ماده نکته قابل توجه آن است که بجای تشخیص قضایی مصادیق یادشده، تشخیص تروستی بودن را بر عهده شورای عالی امنیت قرار می‌دهد. نیز از آنجا که جرم سیاسی تلقی شدن جرایم تروستی یکی از مباحث مطرح در تعریف تروریسم است در ماده ۱۰ به صراحت مقرر می‌دارد که: «جرایم موضوع این قانون، جرم سیاسی محسوب نمی‌شود».

نیز از قوانین مرتبط دیگر برای مقابله با تروریسم می‌توان از «قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا» (مصوب ۱۳۶۸/۰۸/۱۰)، «آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» و «تصویب‌نامه در خصوص انجام تکالیف نظارتی دستگاه‌های اجرایی در چهارچوب قانون مبارزه با پولشویی، قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم و مقررات مربوط به آنها» (مصوب هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۳/۱۹) نام برد.

از این رو می‌توان گفت در حقوق ایران نیز تعریف مشخصی از ترور ارائه نشده است و به رغم آنکه تروریسم به صراحت از زمره جرایم سیاسی خارج شده است، تشخیص

آن رنگ سیاسی به خود گرفته و به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده است.

نیز به واسطه غلبه برداشت سیاسی از تروریسم بجای برداشت‌های حقوقی، مخالفت با تلقی کردن اقدامات ملت‌ها در مبارزه با زیاده‌خواهی و تجاوز به صراحت در قوانین مدنظر قرار گرفته است. با این حال، مصادیق تروریسم و معیار شناسایی آن تا حدودی احصا شده است که می‌تواند در تعامل با حقوق بین‌الملل در قرائت ایران از تروریسم موضع و سیاست کشور را مشخص سازد با این حال، به سبب توسعه در مصادیق تروریسم قانون یادشده پاسخ‌گوی نیازهای فعلی نیست و با توجه با ترورهای انجام گرفته از سوی اسرائیل و حمایت‌ها و گاه اقدامات آمریکا، لازم است متناسب با مصادیق جدید قانون یادشده بازنگری شود.

در این بازنگری، مسئولیت تولید کننده و وارد کننده وسایل ارتباطی، مسئولیت‌های ناشی از لزوم حفظ اطلاعات پزشکی، ممنوعیت درج اطلاعات غیر ضرور افراد در پایگاه‌های اطلاعاتی، دقت در حفاظت اطلاعات، محرمانه تلقی شدن اطلاعات افراد در معرض ترور، ممنوعیت تولید ریزپرنده‌ها بدون نظارت سازمان‌های مربوط، محدودیت و لزوم شناسایی افرادی که از ابزار قابل استفاده در ترور برخوردارند مثل دوربین‌های دید در شب یا دستگاه‌های فرستنده امواج رادیویی یا استفاده کنندگان از اینترنت بین‌المللی، ممنوعیت یا محدودیت در برخی آموزش‌ها که می‌تواند در جاسوسی برای ترور مورد استفاده قرار گیرد و مواردی از این قبیل می‌تواند با قیود و شروطی از مصادیق اقدام به تروریسم شروع به تروریسم یا معاونت در ترور تلقی و برای آن مجازات متناسب در نظر گرفته شود.

۳. عناوین فقهی قابل تطبیق و مشکلات ناشی از آن

تاریخ اسلام حکایت از ترورهایی دارد که گاه فقط به خاطر اختلاف عقیده کسانی چون حضرت امیر علیه السلام را ترور کرده‌اند و در مذموم بودن آن و مخالفت معصومین علیهم السلام و فقها با آن مطالب زیادی نوشته شده است (برای نمونه ر.ک: منتظری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۵۱ به بعد). در حقوق ایران نیز به دلیل ابتنای قوانین بر شرع به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی، در

نوشته‌های حقوقی هم تلاش می‌شود ریشه بسیاری از جرایم از جمله جرایم تروریستی در فقه و مستندات قرآنی و روایی جست و جو شود که استناد به آیات زیر برای نشان دادن مخالفت دین مبین اسلام با ترور از آن جمله است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲)؛ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده، ۳۳) و «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء، ۳۳).

از این رو می‌توان گفت نهی از کشته شدن انسان‌ها و مساوی تلقی شدن کشته شدن یک نفر با کشتن همه انسان‌ها از تعابیر بلند و تعالیم مترقی اسلام است که در مخالفت دین اسلام با ترور و تروریسم هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند.

با این حال در تطبیق این دست تعابیر قرآنی و برخی اصطلاحات فقهی با جرم ترور با مشکلاتی به شرح زیر مواجه‌ایم:

۱. از آنجاکه استناد به قانون افزون بر داخل کشور، در جرایم ارتكابی در بیرون از مرز ایران هم قابل استناد است و در واقع موضع‌گیری قوانین می‌تواند به نوعی بیان‌گر سیاست خارجی و جهانی ایران در مبارزه با تروریسم باشد، لازم است اصول قانون نویسی که از جمله همه فهم بودن و عدم قابلیت برای تفاسیر متفاوت است در آن رعایت شود.

با این حال در قوانین کیفری ایران بارها جرایم مختلف از جمله جرایم تروریستی به جرم محاربه ارجاع داده شده و گاه صراحتاً از آن به عنوان جرم محاربه یاد و گاه در حکم محاربه دانسته شده است که در درک فراملی از جرم محاربه حقوق ایران با مشکل مواجه است. چنان‌که در ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، عبارت زیر به کار رفته است: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود...».

با این توضیح که: اولاً، برداشت جهانی از محاربه با توجه به عبارت قرآنی «يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» جنگ با خداست که شناسایی آن به عنوان یک جرم بدون درک صحیح از

کاربرد آن در حقوق اسلامی، موجب بدفهمیدن حقوق ایران شده است. ثانیاً، مجازات محارب براساس آیه ۳۳ سوره مائده در آرای فقهی عبارت از قتل، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد دانسته شده (برای نمونه ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۲۷) و در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی بر آن تصریح شده است و امکان اعمال همه این مجازات‌ها به تصریح قانون در جرم محاربه و در مواردی که تروریسم مصداق محاربه به‌شمار می‌رود، بجای اصل جرم ما را درگیر حواشی و مجازات‌هایی می‌کند که عمدتاً با چالش حقوق بشری همراه است. ثالثاً، محاربه با توجه به تعریفی که از آن در فقه: «هو کلّ من جرّد سلاحه أو جهّزه لإخافة الناس وإرادة الإفساد في الأرض» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۲۶) و به تبع آن در قوانین کیفری ایران ارائه شده و «عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها» به‌شمار آمده است (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی)، بر برخی مصادیق تروریستی صادق نیست و عملاً به بی‌مجازات ماندن برخی مرتکبان جرایم تروریستی منجر می‌شود.

این در حالی است که با توجه به تأخیری بودن مجازات‌های چهارگانه در محارب (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۲۶) و تصریح بر آن در ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی، می‌توان بجای واگذاری این حق انتخاب به قاضی، در مرحله قانون‌گذاری بر دو کیفر حبس (با توجه به امکان جمع بین حبس و تبعید براساس نظریه شماره ۱۷۹۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه) و اعدام تصریح و از دو مجازات سلب و قطع دست و پا که امکان اجرا ندارد، به‌طور کلی از آوردن در قانون صرف نظر کند تا تطبیق ترور با محاربه در مرحله کیفرگذاری و اجرا با مشکل مواجه نشود.

نیز بهره‌گیری از عنوان افساد فی الارض با این اشکال مواجه است که این واژه بسیار کلی است و استفاده از آن برای مبارزه با تروریسم هرگز مقبولیت جهانی نخواهد یافت؛ از این رو ما باید در تعریف تروریسم با تعاریف متعارف فاصله بگیریم. افزون بر اینکه جرم حدی دانستن افساد فی الارض افزون بر محاربه با انتقادهای فقهی همراه است و برخی محاربه را به شرط افساد فی الارض مشمول این حکم دانسته و خود افساد فی الارض را حکم حدی جداگانه ندانسته و نوشته‌اند: «أَنَّ المحارب بما أَنَّهُ من مصادیق المفسد في

الأرض و من أفراده يترتب عليه هذه الأحكام» (فاضل موحدي لنكراني، ۱۴۲۷ق، ص ۶۳۸) یا تصریح کرده‌اند: «اینکه گفته می‌شود مفسد بما هو مفسد خود موضوع مجازات است، وجهه شرعی و قانونی ندارد» (مرعشی، ۱۳۷۰، صص ۴۴-۴۵) و سپس دلایل نادرست بودن موضوع مجازات شدن افساد را به تفصیل تحلیل کرده‌اند. چنان‌که صاحب جواهر در بحث از محاربه عبارت «و المدار على قصد الإخافة الذي يتحقق به الفساد في الأرض» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۵۶۶) را به کار می‌برد که اشعار به یکی بودن جرم محاربه با افساد فی الارض دارد.

از این رو می‌توان گفت مشکل تفاوت داشتن یا یکسان بودن جرم افساد فی الارض و محاربه و تخیری یا یا تعینی بودن مجازات در نظر گرفته شده در آیه کریمه، خود با اختلاف‌های فقهی همراه است که حتی در صورت در نظر گرفتن موضع قانونی مشخص، وجود اختلاف فقهی همواره می‌تواند جرم‌انگاری را از منظر شرعی مورد انتقاد قرار دهد و از اتفاق فقهی بر ترور تلقی شدن آنچه در قانون آمده است، جلوگیری کند.

۲- تلاش‌هایی نیز انجام گرفته است که ترور و تروریسم بر برخی واژه‌های به کار رفته در فقه تطبیق داده شود که در این میان، اهل سنت از واژه ارباب برای توصیف ترور استفاده می‌کنند چنان‌که در عمان کمیته ملی مبارزه با تروریسم با عنوان «اللجنة الوطنية لمكافحة الإرهاب» فعالیت دارد. با این حال می‌توان گفت ارباب بر جنبه ترس و وحشت تأکید دارد و واژه‌ای است اعم از ترور. در فقه افزون بر محاربه و افساد که اشاره شد از واژگانی چون فتک، غیله یا اغتیل و بغی نیز می‌توان برای توصیف ترور و جرم‌انگاری آن بهره گرفت با این حال، این عبارات را نمی‌توان معادل ترور به‌شمار آورد. در خصوص اقدام به کشتن کسی که به حضرت امیر علیه السلام دشنام می‌دهد، امام صادق علیه السلام از آن نهی کرده و می‌فرماید: «هَذَا الْفَتْكُ وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْفَتْكِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۵۴۹) و فتک را برخی معادل ترور در زمان حاضر دانسته‌اند (خرازی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۱۱) این در حالی است که در ترور، گاه بجای یورش دفعی، اصل حمله اطلاع‌رسانی می‌شود و فقط کیفیت آن نامعلوم است (آقابائی بنی، ۱۳۸۸، سخنان فیرحی). نیز

در معنای اغتيال، با نیرنگ کسی را کشتن دانسته ولی در امکان تطبیق آن با ترور نوشته‌اند: «تفاوت اغتيال با ترور در آن است که ترور در اصطلاح قتل سیاسی، به وسیله سلاح است؛ لیکن اغتيال، کشتن کسی به صورت غافلگیرانه یا با نیرنگ است؛ خواه با سلاح باشد یا خیر و یا در امور سیاسی باشد یا نباشد. پس اغتيال اعم از ترور است و ترور از مصادیق اغتيال می‌باشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۸۲). چنان که در بغی، خروج بر حاکمیت ملاک است و ممکن است تنها در برخی مصادیق آن را معادل ترور دانست (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۵، صص ۷۱، ۹۱، ۱۱۴، ۱۳۹).

به دلیل برداشت خاص داشتن از عبارات یادشده در حقوق ایران و فقه شیعه و همسان نبودن این عبارات با ترور که در نتیجه به تفاوت برداشت دیگران از قانون می‌گردد، شایسته است در تدوین قوانین ناظر به ترور از مفاهیم مورد اتفاق و قابل فهم در سطح بین‌الملل بهره گرفته شود و بجای استفاده از کلمات فقهی، صرفاً بر مبانی فقهی و اینکه موضع اسلام مخالفت با ترور است اکتفا شود.

در این میان، مشکل دیگر، وجود آرای در فقه فردی است که گاه به عنوان نظر اسلام در مقام اعمال حاکمیت تلقی و مبارزه با تروریسم را با مشکل مواجه می‌سازد و این مشکل از آنجا که گاه در قالب قوانین کیفری هم بازتاب می‌یابد، آن را به موضع رسمی حاکمیت تبدیل می‌سازد.

برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در قرائت فقهی تلاش می‌شود قتل به کیفری و غیر کیفری تقسیم و انجام برخی قتل‌ها حتی بدون محاکمه و توسط افراد مجاز به شمار آید که قتل ساب‌النبی از آن جمله است. نیز شرط قصاص محقوق الدم بودن شخص است که قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ عبارت زیر را به کار می‌برد: «اگر شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن بکشد و بعداً معلوم گردد مجنی علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده، قتل به منزله خطای شبیه عمد است».

این در حالی است که می‌توان گفت جز با حکم دادگاه و پس از محاکمه هیچ کس مهدورالدم نیست و در خصوص ساب‌النبی می‌توان گفت: این حکم اختصاص به زمانی

داشته که حکومتی شکل نگرفته یا حاکمان ملتزم به احکام شریعت نبوده‌اند؛ و گرنه با وجود حکومت چون قاتل باید پاسخ‌گوی عمل خود باشد و آن را در دادگاه ثابت کند، از اول می‌تواند آن را در دادگاه طرح کرده و در نهایت پس از محاکمه و توسط حاکمیت ساب مجازات شود. در این صورت هم قتل خودسرانه رخ نمی‌دهد و هم همه جوانب در اجرای این حکم شرعی رعایت می‌گردد چنان‌که در قانون مجازات اسلامی قیود متعددی برای امکان قتل ساب در نظر گرفته شده است که در آرای فقهی بدان توجه نشده یا کمتر مورد توجه فقها قرار گرفته است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: آقابائی بنی، ۱۳۹۴).

۲- نگرش‌هایی بر امکان کشتن مرتد بدون محاکمه قضایی در خصوص مرتد و به خصوص سلمان رشدی، حتی با دعوت از تبعه دیگر کشورها برای اقدام به آن به‌عنوان یک نگاه فقهی، عکس‌العمل‌های مختلفی را با خود داشت که لازم است اظهار نظرهای فقهی در این دست موارد به‌عنوان یک دیدگاه دینی و نه موضع رسمی کشور اعلام شود. چنان‌که وجود آرای فقهی بر حرمت نداشتن جان و مال غیر مسلمان حربی و تفسیر کافر حربی به کسی که تحت حمایت حاکمیت اسلامی نیست، زمینه اقدامات فراقضایی را در جامعه فراهم می‌کند. این در حالی است که در اصل سی و ششم قانون اساسی ایران مقرر شده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» ولی در عمل کاستی یا ابهام و اجمال قوانین یا ارجاع صریح برخی امور به فقه حتی در امور کیفری موجب می‌شود که آرای فقهی قابلیت اجرا پیدا کرده و ضمن نقض اصل یادشده، مشکلاتی را برای کشور فراهم آورد.

به بیان دیگر می‌توان گفت افزون بر موارد یادشده، موارد مشابه آن در فقه برای تجویز برخی قتل‌ها وجود دارد و نهادهایی مثل آنچه اتان کلبرگ در اسرائیل بنا نهاده است، در تلاش‌اند تا با جمع‌آوری این دست قرائت‌ها و گاه مشابه شمردن آن با دیدگاه‌های غلط داعش، زمینه معرفی اسلام و اسلام شیعی و به خصوص ایران را به‌عنوان حامی و مروج ترور فراهم آورند، شایسته است در قالب منشور دفاعی کشور، موضع ایران به شکل رسمی و جهانی اعلام شود و کسانی که مسئولیت دارند و وابسته به

قدرت‌اند، در اظهار نظرهای خود از این موضع تخطی نکنند تا موجبات سوء استفاده دشمن از سخنان مسئولان علیه کشور فراهم نیاید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده از این نوشته و به تناسب راهکارهای برون رفت از برخی مشکلات در قالب پیشنهاد را می‌توان چنین بر شمرد:

۱- شکل‌گیری مسئله تروریسم و تعاریف مختلف از آن، کشتن انسان‌ها را عادی کرد و برخی دولت‌ها به رغم اقدام به عملیات تروریستی آن را به گونه‌ای توجیه کردند که از شمول تعریف تروریسم خارج شود و به عکس مبارزان واقعی با تروریسم را تروریسم معرفی و به کشتن آنان اقدام کنند؛ مثل شهید کردن شهید سلیمانی که خود را برای مبارزه با داعش به‌عنوان مظهر بارز تروریسم وقف کرده بود.

۲- اختلاف در تعاریف و برداشت‌های مختلف از تروریسم، مانع رسیدگی به این جرم در دادگاه‌های بین‌المللی است و تنها بخش‌هایی از آنکه در قالب عناوین جنایات علیه بشریت، جنایت نسل‌کشی، جنایات جنگی و جرم تجاوز قرار می‌گیرد در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است. با این حال الحاق نشدن تعدادی از کشورها به این دیوان از یک سو و همکاری نکردن حتی کشورهای عضو با دیوان در مبارزه با جرایم مثل آنچه در صدور قرار برای بازداشت رهبران اسرائیل انجام گرفت، موجبات فرار مجرمان از چنگال عدالت را فراهم آورده است.

۳- اقدام از طرف شورای امنیت سازمان ملل هم به دلیل غلبه جنبه سیاسی این شورا بر جنبه حقوقی، سلطه آمریکا بر این شورا و وجود حق وتو برای کشورهای قدرتمند که خود حامی یا بانی تروریسم‌اند، عملاً شورای امنیت را هم در برخورد با این جرم ناتوان ساخته است.

۴- تلاش ایران برای الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی به دلیل اختلاف در تعریف تروریسم با حق شرط صورت بوده است و به همین دلیل نتوانسته جایگاهی در مبارزه با تروریسم در سطح بین‌الملل به دست آورد و در حقوق داخلی هم به رغم تصویب قوانین، اشکال جدیدی از تروریسم پس از حمله اسرائیل به حزب‌الله و حماس و ایران پدید آمده است که نیاز به بازنگری قانون دارد.

۵- تلاش در تطبیق ترور و تروریسم با برخی مفاهیم فقهی مثل اغتيال و فتك و بغی و ارباب، عملاً راه را برای فراگیر شدن مصادیق تروریسم می‌بندد و استفاده از عناوینی چون محاربه و افساد فی الارض که در قانون فعلی به کار رفته است، فهم و اجرای قانون را برای مخاطبان جهانی با مشکل مواجه می‌سازد گذشته از اینکه اطلاق محاربه و افساد مجازات‌های چهارگانه اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و تبعید را در پی دارد که از جهات برخی تعهدات حقوق بشری انتقادهایی را برانگیخته و مبارزه با تروریسم را به حاشیه می‌برد.

۶- نبودن مجازات متناسب برای برخی قتل‌ها مثل قتل غیر مسلمان توسط مسلمان یا امکان مجازات افراد مهدورالدم بدون حکم قضایی در برخی خوانش‌های فقهی، در کنار عملکرد نادرست داعش و القاعده به نام اسلام، اسلام هراسی و همسان پنداری برخی احکام اسلامی با ترویج به ترور را در سطح جهانی دامن زده است و موسساتی در اسرائیل با بهره‌گیری از همین گزاره‌ها مسلمانان را متهم به ترور کرده‌اند.

از این رو پیشنهاد می‌شود:

۱- سازمان کنفرانس اسلامی فعال‌تر از گذشته در زمینه مبارزه با ترور ظاهر شده و ایران از طریق این کنفرانس نقش خود بر تأثیرگذاری در تعریف و مبارزه با ترور را ایفا کند. بهره‌گیری از شکل‌های بارز ترور که توسط اسرائیل در کشورهای مختلف انجام گرفته و هدایت افکار عمومی به جنایات ارتكابی اسرائیل در این زمینه موثر است.

۲- در مقرارت داخل ضمن بازنگری در مصادیق شمارش شده برای تروریسم، بر صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های کشور به جرایم تروریسم تصریح شود تا بتوان طبق اصل ۳۶ قانون اساسی از وجود قانون و دادگاه صالح برای رسیدگی در ایران سخن گفت.

۳- به منظور ارائه قرائت مشخص از اسلام و مبارزه با اسلام‌هراسی، منشوری برای سیاست کشور در مبارزه با تروریسم ارائه شود و همه مسئولان و کسانی که وابسته به قدرت هستند در اظهار نظرهای رسمی خود براساس این منشور حرکت کنند تا موجبات سوء استفاده از برخی آرای فقهی یا سخنان مسئولان در معرفی کشورهای اسلامی از جمله ایران به عنوان حامیان ترور فراهم نیاید.

فهرست منابع

- آقابابائی بنی، اسماعیل. (۱۳۹۴). موانع مجازات فراقضایی در دشنام به پیامبر ﷺ، مجله رواق فقه، ۱(۱)، صص ۱۱۷-۱۳۹.
- آقابابائی بنی، اسماعیل. (۱۳۸۸). موضوع‌شناسی و بررسی فقهی تروریسم (سلسله نشست‌های مسائل فقهی و حقوقی). تهیه‌کننده: اسماعیل آقابابائی. فقه، ۱۶(۶۲)، صص ۲۲۰-۲۱۲.
- خرازی، محسن. (۱۴۲۳ق). البحوث الهامة في المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه در راه حق.
- شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۷۷). نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۲. صص ۷۷-۱۰۶.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (۱۴۲۷ق). تفصیل الشریعة (الحدود). قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم‌السلام.
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۹۹). ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۲۴)، صص ۱۵۱-۱۸۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). الکافی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- کوشا، جعفر؛ عزیزاده، اکبر؛ یکتا، علی. (۱۴۰۳). بررسی حقوقی ترور سردار سلیمانی از منظر اسناد بین‌المللی، فصلنامه تعالی حقوق، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۳۱-۶۶.
- گندمکار، ابوالفضل. (۱۳۹۴). تروریسم و نظام کنونی جهان با تأکید بر حقوق بین‌الملل. تهران: نشر هورمزد.
- مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۸۹). درآمدی بر تروریسم‌پژوهی (رویکردها، تعاریف، موضوع‌شناسی فقهی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن. (۱۴۲۷ق). دیدگاه‌های نو در حقوق. تهران: نشر میزان.
- مرعشی، سیدمحمدحسن. (۱۳۷۰). افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۵، شماره ۲، صص ۴۳-۵۶.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية). (مترجم: محمود صلواتی). قم: کیهان.

موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.

نجفی، محمدحسن. (بی تا). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت^۸. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.

هاشمی، سیدحسین. (۱۳۹۵). تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هینگسن، اتریک. (۱۳۹۹). واکنش روزنامه رسمی داعش به ترور سردار سلیمانی به دست ترامپ: الحمد لله (مترجم: احمد شیرزادیان). سیاحت غرب، ۱۷ (۱۶۷)، صص ۸۹-۹۲.